

## نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

## ادب پایداری و شعر فارسی و مبانی عقیدتی آن در اسلام\* (علمی- پژوهشی)

دکتر علی محمد پشت دار  
عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

### چکیده

«ادب پایداری» ناظر به عمل و رفتار فرد است که بر اساس نگرش و اندیشه او نسبت به خود و هستی به دو شکل عام و خاص به فعل در می آید. انسان با ایمان؛ یعنی کسی که خود را به مجموعه ای از بایدها و نبایدها ملتزم و متعهد کرده است و بر همین شالوده زندگی خود را تدبیر می کند.

ادب پایداری یا به تعبیر ابتکاری در این مقاله، ادب اعتراض در اصل، بیان سخنان هنری با محتوای مبارزه و اعتراض به بی عدالتی ها و دفاع از ارزش ها اطلاق می شود.

اساس دیانت اسلام از ابراهیم (ع) تا حضرت محمد (ص) بر مبارزه با بت پرستی و عقاید شرک آلود بنا شده که این خود بنیاد اصلی ادب پایداری در حفظ خوبی ها و نفی بدی هاست؛ اما به طور خاص یا ادب پایداری در کلام ادبی پیام آور عدالت و آزادی است.

در گستره ادبیات فارسی از آغاز، شاعران و گویندگان مسلمان با الهام از جهان بینی اسلامی در نظر و عمل آثار ادبی ارزشمندی آفریده اند که برای مخاطبان، آینه ای هدایت گر و حقیقت نما بوده است.

این جستار به مبانی عقیدتی ادب پایداری از نگاه اسلام و شواهد و مصادیقی از آن در میان پارسی گویان مسلمان پرداخته و ضمن دسته بندی و تبیین مبانی، از جهت جامعه شناسی نیز «ادب پایداری» واکاوی شده است.

**واژه های کلیدی:** ادب پایداری، مبانی عقیدتی، اسلام، تشیع، شعر فارسی،

آسیب شناسی.

## ۱- مقدمه

«ادب پایداری» در ساحت نظر و عمل انسان ظهور و بروز می یابد. «ادب» به مجموعه رفتار و گفتار فرد اطلاق می شود که حاوی ارزش های الهی است و همه جوامع بشری، در ارزشمند بودن آن اتفاق نظر دارند، اگر این مجموعه رفتار و گفتار ارزشمند را «فرهنگ» نیز بنامیم، دور نرفته ایم.

انسان، ترکیبی از فکر (= علم، آگاهی) و عمل (= اراده، گفتار) است و بر همین مبنا انسان با ادب، انسانی حکیم است که در فکر و عمل، حکمت را به کار گرفته و حکیمانه در صدد تفسیر خود و هستی اطراف خویش است؛ حکمت یعنی قدرت تعقل و تفکر و ایمان در تفسیر هستی. در معنای عام «ادب پایداری» حاصل اندیشه و کلام فرد است که بخش نخست آن حامل ارزش هاست (= فضایل) ایمان و اثبات «الله» در همه جوانب: «أَيُّمَّا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» (بقره/۱۱۵) و بخش دوم آن، پایداری و پافشاری است در حفظ آن ارزش ها که فرد خود را بدان پای بند کرده و به آن عقیده پیدا کرده است: «وَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ» (هود/۱۱۲، شوری/۱۵) اما در معنای خاص «ادب پایداری» به دو صفت «اراده و گفتار» فرد محدود می شود؛ کردار و گفتاری که حاوی فرهنگ و ادب اوست و محدود است به آثار زبانی که این هم ناظر به رفتار، با محتوای نفی رذایل و جذب فضایل و ارزش های انسانی و الهی است.

«سرشت انسان، (که خلیفه خدا در زمین است) بدی و ظلم را بر نمی تابد؛ از این رو، ناسازگاری خود را با بیداد به اشکال مختلفی چون اعتراض (اعراض)، (سکوت)، پرخاش، ستیزه و نبرد و مقابله (در قول و فعل) نشان می دهد، در این عرصه آن هنگام که روح (نفی) و (دفع) و ستیز با مظاهر زشتی (= شیطانی) و شر در کالبد کلمات دمیده می شود، «ادبیات پایداری» (= مقاومت) (در معنای خاص) جان می گیرد. بر این اساس، از دیر باز، انسان با این سلاح (صفت گفتار و کلام) بُرأ و کارآمد به میدان آمده... و در این رهگذر انواعی از ادب اعتراض در قالب (حماسه، عرفان) طنز، هجو، هزل، مدح، رثا، ... در ادبیات اقوام و ملل به عرصه وجود آمده است» (کم سفیدی، ۱۳۸۷: ۳۷۵).

### سابقه ادب پایداری در اسلام

از آنجا که انسان به صفات خالق خود سرشته شده، همواره در اندیشه و گفتار او عکس العمل نسبت به دفع زشتی‌ها و جذب خوبی‌ها فعلیت یافته و در این رهگذر آثار زبانی هنری آفریده است.

پرداختن به نقد و نظر این قبیل آثار هنری سابقه ای دیرینه دارد؛ اما اجمالاً اگر ظهور دین خاتم (=اسلام) و بعثت حضرت محمد (ص) را مبنا قرار دهیم، قرآن و اسلام همواره نسبت به «سخن» و «کلام» توجه عمیقی داشته و اصل آن را از خدا دانسته است؛ قرآن کریم که معجزه آخرین نبی مرسل است، خود اثری آفاقی و انفسی در حوزه کلام و کلمه است، که نه شعر است و نه شبیه به کلام بشر.

قرآن، با همین سلاح به تحدی با منکران وارد عمل شد و آنان را به مبارزه طلبید. مخاطبان نخستین قرآن، مردم ساکن حجاز و نواحی اطراف آن، در شعر و شاعری و نقل و روایت اشعار، سنت دیرینه ای داشتند «ولی اسلام اهمی به امر آن نکرد و در کتاب مجیدش حتی یک کلمه شعر و شعرا را نستود، سنت رسول الله (ص) نیز پر و بالی به آن نداد» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۴۴۴).

حضرت رسول (ص) نیز شعر حکیمانه و حکمت آمیز را تأیید کرد و فرمود:

«إِنَّ الشُّعْرَ لِحِكْمَةٌ».

در حدیث دیگر که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ كُنُوزًا تَحْتَ عَرْشِهِ وَ مَفَاتِيحُهُ فِي أَلْسِنَةِ الشُّعْرَاءِ»، و حدیث از اهل بیت آن سرور- سلام الله علیهم- نقل شده که: «مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتُ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ وَ مَا قَالَ فِينَا قَائِلُ شِعْرِ حَتَّى يُؤَيَّدَ بِرُوحِ الْقُدُّسِ» و جناب مقدس ائمه معصومین- صلوات الله علیهم- کلام موزون و مقفی در مناجات و حکم و مواعظ و مراثی و غیر آن مکرر می خوانده و می گفته‌اند، چنانکه در کتب معتبر مذکور است و در دیوان حضرت امیرالمؤمنین مشهور است.

دیگر قولی است که مشتمل باشد بر تخیلات کاذبه فریبده و تمویهات مزخرفه زینده که اصلی و حقیقتی نداشته باشد، خواه موزون مقفی باشد، خواه نه؛ و قریش را نظر بر این معنی بوده که قرآن را شعر می گفته‌اند و پیامبر (ص) را

شاعر، تا این که حق - تعالی - این آیت را فرستاد: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ» (یس / ۶۹)، ناظر به این معنی است، آنچه در مذمت شعر و نهی از خواندن آن در مسجد و در ایام متبرکه و مطلق لیالی وارد شده، شعری است که باطل نامیده اند از این قبیل است» (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۸-۲۰).

در همین فضا و چارچوب موازین قرآنی و سیره نبوی (ص) و اهل بیت - علیهم السلام - مجموعه ای از آثار ادبی و هنری با ویژگی های زیر شکل می گیرد که با عنوان «ادب پایداری» شهرت یافته است؛ «اصلی ترین مسایل ادب پایداری عبارتند از:

۱- دعوت به مبارزه و تحمل سختی ها و مشکلات آن. ۲- بیان بیدادگری ها و تصویر چهره بیدادگران. ۳- ستایش آزادی و آزادگی. ۴- نشان دادن افق روشن پیروزی که ره آورد وحدت، تلاش، همدلی و مبارزه مستمر است (إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ «انبیاء/ ۱۰۵») ۵- ترحیم مظلومیت. ۶- بزرگداشت و ستایش مردم مبارز و شهیدان راه آزادی» (علیپور، ۱۳۸۷: ۲۹۷).

## ۲- بحث

### ۲-۱- ادب پایداری در زبان فارسی در گذشته و امروز

اصطلاح «ادب پایداری» در معنای اخص آن، یعنی اطلاق کردن به مجموعه آثار زبانی و هنری در قالب نظم و نثر با محتوایی که قبلاً ذکر شد، تا حدودی جدید است؛ اما مصادیق این گونه آثار ادبی در گستره زبان فارسی از قرون سوم و چهارم هجری قابل تحقیق است، به ویژه در میان شاعران پارسی گو که به دستورهای دینی و سنت نبوی (ص) پای بند بوده و گاه تا سر حد عشق و شهادت نه تنها گوهر سخن، بلکه جان خود را در راه احیای ارزش های دینی و مذهبی ایثار کرده اند. اصطلاح «ادب پایداری» یا «ادب اعتراض» و مترادفاتی چون «ادب مقاومت» یا «ادبیات زیرزمینی» یا «ادب شورش» در برابر «ادب سازش» که در آثار ادب پژوهان و فرهنگ ها به تصریح از آن یاد شده، از انواع (=ژانر) ادبی

نیست که در تقسیم بندی شعر کلاسیک فارسی از آن ذکری به میان آمده باشد، بلکه به نظر می رسد این نوع از ادب (= آثار کلامی هنری منظوم یا منثور) به آن دسته از سروده ها و نوشته ها اطلاق می شود که به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا پایداری و مقاومت گوینده یا نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی اجتماعی و سیاسی حاکم منعکس کرده است.

در فرهنگ اصطلاحات چاپ و نشر، زیر عنوان «ادبیات اعتراض (= protest literature) آورده است: ادبیاتی که هدف از انتشار آن، اعتراض نسبت به چیزی و معمولاً در اعتراض به اوضاع سیاسی خلق می شوند» (پورممتاز، ۱۳۷۲: ۳۵۹).

#### ۲-۱-۱- تعامل ادب پایداری با ادب اعتراض

بیان سخنان هنری با محتوای مبارزه و اعتراض به بی عدالتی ها و ستمگری ها و حمایت از حق و عدالت در یک کلام دفاع از ارزش ها، امروزه به «ادب مقاومت» یا «پایداری» نام گذاری شده است، نگارنده در طول ۲۴ سال گذشته به شهادت آثاری که در پانوشت صفحه ذکر شد، این مقوله را با عنوان «ادب اعتراض» مطرح کرده است، البته طرح آن با عنوان «ادب پایداری» (= resistance literature) نیز بی منازعه و اشکال است؛ اما شاید محدود کردن این نوع از آثار هنری به جنگ یا فضایی صرفاً نظامی، به نوعی محدود کردن عرصه گران بهای این مقوله است که در طول حداقل هزار سال در ایران با پشتوانه فرهنگ و ایدئولوژی قرآنی و معارف اهل بیت - علیهم السلام - همواره الهام بخش مبارزان، عارفان، عالمان و هنرمندان متعهد بوده است.

گمان می رود که ترکیب «ادب پایداری» گرده و ترجمه ای از ترکیب «ادب المقاومة» در زبان عربی است که طی شصت- هفتاد سال گذشته به نوعی از مبارزات ضد استکباری اقوام مسلمان عرب زبان در مصر و فلسطین و بعضاً در عراق و برخی کشورهای مسلمان عرب در آفریقا به زبان فارسی راه یافته است.

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ خود سرچشمه ای غنی برای خلق آثاری بزرگ در حوزه ادب پایداری با صبغه شیعی بود. بعد از آن، وقوع جنگ

تحمیلی که در حقیقت به دفاعی هشت ساله با عنوان «مقدس» خود سرلوحه ادبیاتی گشت که در طول ۲۳ سال گذشته یعنی بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ایران، آثاری در حوزه یادنامه، خاطره، خودنگاشت، شعر و شهادت، داستان، ادبیات نمایشی، نامه‌ها و وصیت نامه‌ها، خاطرات اُسرا، نیایش نامه‌ها، و... آفرید که خود نوع ادبی مستقلی با عنوان «ادبیات دفاع مقدس» پیدا کرد و در طول این مدت ده‌ها کتاب تحلیلی، مقالات، پایان‌نامه‌های دانشگاهی در حول «ادبیات دفاع مقدس» در سطح کودک و نوجوان (شعر و داستان) تا بزرگسال عرضه شده است. هنوز هم در این میدان فرصت نقد و تحقیق و پژوهش بیشتری فراهم است، اما ظهور این پدیده در ایران دهه هفتاد تا نود، همانند هر پدیده دیگر انسانی آسیب پذیر است، و اگر آسیب شناسی نشود و راههای انحراف و استحاله آن با هوشمندی مسدود نگردد، ممکن است در برخی جوانب دچار انحراف یا افراط و تفریط گردد.

#### ۲-۱-۲- محدودۀ ادب پایداری

همان طور که گفته شد محدود کردن ادب پایداری به ادبیات جنگ، چندان علمی و منطقی نیست، چه «ادبیات پایداری گناه چنان حوزه ای وسیع را در برمی گیرد که پایداری انسان در برابر همه عناصر زیر را شامل می شود: طبیعت و مظاهر آن، حکومت‌های بیگانه و غاصب، اندیشه‌ها و باورها، خواسته‌ها، آرزوها، کشش‌ها و کشمکش‌ها، ... ادبیات پایداری هر ملت دارای شناسنامه تاریخی و اقلیمی خاصی است، اما می تواند جهان شمول، یعنی فرا مکان، فرا زمان و فرا زبان و فرا مخاطب نیز باشد» (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۸).

#### ۲-۱-۳- ویژگی های جامعه شناختی ادبیات پایداری

از نگاه جامعه شناسی، ادبیات در دو بخش خواص (= طبقات صاحب سرمایه و کارفرما) و مردم (= سایر مردم، نیروهای کار) قابل مطالعه است؛ چه برتری طلبان و ثروت اندوزان به پشتوانه قدرت موروثی - اعم از ثروت و اشرافیت - پیوسته در تلاشند تا این سروری را حفظ کنند، در مقابل سایر مردم به اعتماد نیروی کار و اتکاء به عقیده و باورهای مذهبی در کوتاه ترین زمان ممکن

این رابطه ظالمانه و استثمارگرانه را بر هم زنند، در عرصه این تقابل میان دو گروه خواص و مردم، ادبیاتی شکل گرفته که در جوامع انسانی به طور عام خصوصیات مشترکی دارد، و البته در جوامع مسلمان با توجه به جهان بینی اسلامی و تعالیم حضرت رسول اکرم (ص) و معارف اهل بیت (ع)، می توان ویژگی های دیگری را نیز به دست داد؛ اما اجمالاً می توان گفت ادبیات مردمی که پایه و مایه ادب پایداری است ویژگی هایی به شرح زیر دارد:

### الف - بخش ادبیات عوام

«۱- هنر و (ادبیات) مردم، هنر کار و عرصه عمل است: از این رو جریان اندیشه ایشان مربوط به جهان عمل است. ۲- هنر و ادبیات مردمی، حالت جمعی دارد. ۳- وسیله مبارزه و بهبود زندگی است. ۴- مثبت است. ۵- خوش بین است. ۶- امیدوار و دلپذیر است. نمونه های ادبیات پایداری در قالب داستان ها، مثل ها، شوخی ها، هجوها ... ترانه ها و افسانه ها شاهد این مدعا است» (آریان پور، ۱۳۵۴: ۹۲). ۷- «اساساً هنر مردمی برای سبک کردن و تخفیف فشار زندگی اجتماعی و اعتراض به اجحاف از سوی ستمگران و قانون شکنان است. ۸- ساده و بی پیرایه است. ۹- سخن طبیعی است و ناچار وقار ساده و درشت طبیعت را انعکاس می بخشد. ۱۰- هنر مردمی از زیبایی طبیعت زنده و انسان سالم پر بار است. ۱۱- واقع گرایی، محور ادب مردم و فولکلور است. ۱۲- موضوع اصلی ادبیات مردمی، مبارزه با طبیعت و رام کردن نیروهای طبیعی و ایجاد تمدن است. ۱۳- قهرمانان این نوع از ادب، سرشار از مهر زیستن اند و با تلاش و بردباری و فداکاری به کامیابی می رسند. ۱۴- مبارزه درنگ ناپذیر مردم با خواص نیز در این ادبیات منعکس است ... مردم آرزومند رفع بیدادگری ها هستند و به غلبه نهایی خود امیدوارند» (همان: ۹۴، ۹۳).

### ب - بخش ادبیات خواص

طبقه ممتاز در جوامع انسانی با برخورداری از اشرافیت موروثی و در اختیار داشتن ثروت و منابع کسب ثروت، قدرت و رهبری اجتماع را به دست می گیرد و معمولاً برای حفظ این موقعیت به مبارزه با هرگونه آثار به مخالفت بر می خیزد و همواره با به کارگیری همه امکانات موجود، راه های تغییر و تهدید قدرت را در

نطفه سرکوب می کند<sup>۱</sup>، افلاطون که خود به طبقه خواص تعلق دارد، همه کارهای یدی را عامیانه یا مبتذل می خواند. (آریان پور، ۱۳۵۴: ۱۱۱)

ارسطو شاگرد افلاطون که خود نیز به طبقه خواص منتسب است، می گوید: خداوندان امتیازات اجتماعی نباید صنعت گری یا داد و ستد کنند. (همان)

اما ویژگی ادبیات خواص که نشانگر خصلت های فکری و رفتاری ایشان است، و همه در مسیر حفظ قدرت و استمرار سلطه بر سایر بندگان شکل گرفته است:

۱- «برکناری و بی نیازی از کارهای تولیدی. ۲- پرداختن به کارهای تفننی و تشریفاتی. ۳- تعارفات طولانی و عادات وقت گیر. ۴- فعالیت های زاید و بیهوده در خوردن، نوشیدن و پوشیدن. ۵- خیال پروری و خرده گیری و ژاژخایی و هزل گویی. ۶- هنر آفرینی را امری تفننی تلقی می کنند. ۷- تأسیس دیوان شعرا در ممالک شرقی ایران و چین محصول تفنن گرایی و نگاه تفننی به هنر است. ۸- بدیهی است انحراف هنرمند از ذوق طبقه قاهر (= خواص) کاری ناروا و گناهی نابخشودنی است. ۹- هنر خواص از یک سواز زندگی عملی به دور و در شمار تفننات است. ۱۰- هنر و ادبیات برای این گروه وسیله بزرگ نمایی و امتیاز گیری و ابزاری برای مرعوب ساختن عوام است» (همان: ۱۲۷).

پرداختن به تفنن و تجمل هم برای لذت خود و هم برای مرعوب ساختن سایر مردم، در میان خواص جوامع بشری امری تازه نیست، مثل بارز این تجمل پرستی و ثروت اندوزی «قارون» است که در قرآن به آن اشاره شده است، یا حاکمان وقت در عهد نوح (ع) و دیگر انبیا که رسولان الهی را به دلیل آن که مردم کوچه و بازار به ایشان ایمان می آوردند، تحقیر می کردند و ایشان را به خاطر نداشتن ثروت و زخارف دنیوی دست می انداختند.

«تجمل پرستی جزء خصوصیات اصلی اندیشه و روح غیر متمدن بدوی است. تجمل بدوی مدرن با بدوی غیر مدرن، فرق ندارد. تجمل پرستی، نیاز روح های سطحی و فقیری است که از زیبایی های روح و سرمایه های معنوی و چشم اندازها

<sup>1</sup>. نقد رفتار فرعون در قرآن با قوم موسی (ع) در این عرصه قابل توجه است.



و انقلاب‌ها و عظمت‌هایی که در ایمان و اندیشه و علم و هنر و ادب و فلسفه و پروازهای شگفت‌دل آدمی هست، محروم‌اند» (شریعتی، ۱۳۷۰: ۶). منکران از طبقات ملاً و مترف، رسول خدا (ص) را به جرم نداشتن ثروت و باغ و داشتن صورت بشری که همانند همه انسان‌ها در کوچه و بازار راه می‌رود، تقبیح می‌کنند و به عبارتی دست می‌اندازند، این خاصیت اشراف و ستمگران است که با تحقیر و به رخ کشیدن ثروت و مکنث خویش دیگر گروه‌ها را مرعوب خود می‌کنند تا بتوانند چند صباحی بیشتر به عیش خود ادامه دهند.

## ۲-۲- مبانی عقیدتی ادب پایداری در اسلام

ادیان الهی در معنای وسیع کلمه چیزی جز هدایت انسان و رفع اختلافات میان ابنای بشر نخواسته‌اند<sup>۱</sup>. ظهور دین اسلام در فضای آن روز حجاز در میان دو امپراتوری ایران و روم به عبارتی منادی ادب پایداری و ترویج توحید و شکستن بتها در سراسر عالم بود. پیامبر اکرم (ص) در طول حیات سیاسی خود از ابلاغ رسالت ذره‌ای کوتاهی نکرد و مخاطبان آن روز و روزگاران بعد را به دو چیز ارجاع داد: ۱. کتاب خدا ۲. عترت و اهل بیت گرامی اش (علیهم السلام).

نخستین حرکت ادب پایداری در همان روز رحلت پیامبر (ص) شکل گرفت؛ «به شهادت تاریخ از روز رحلت پیغمبر اسلام (ص) ... یعنی در همان موقعی که هنوز جسد مقدس پیغمبر اسلام (ص) دفن نشده بود، و اهل بیت (ع) و عده‌ای از خیار صحابه، سرگرم لوازم سوگواری و تجهیز جنازه شریفش بودند، عده دیگری - که بعداً اکثریت را بردند - با کمال دست پاچگی در سقیفه بنی‌ساعده تجمع کرده و برای عامه مسلمین، در قیافه مصلحت‌جویی و خیرخواهی، خلیفه و جانشین پیغمبر (ص) تعیین کردند و در خلال این جریان حتی کمترین اطلاعی به اهل بیت (ع) و خانواده پیغمبر اسلام و به ویژه به امیرالمؤمنین علی (ع) که در

۱. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ... (بقره/ ۲۱۳)

فضایل اسلامی و انواع فداکاری در تمام دوره بعثت، پیشتاز همه مسلمان بوده و به نص ولایت اختصاص یافته بود، ندادند» (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۹).

گروهی به عنوان اعتراض به این حرکت، ادب پایداری (=اعتراض) را با عنوان «شیعه» در اسلام پایه گذاری کردند. «امیرالمؤمنین علی (ع) و جمعی از یاران او مانند سلمان، ابوذر، مقداد و ... پس از اطلاع از جریان انتخاب خلیفه، به مقام اعتراض و انتقاد برآمده و با استناد به نص ولایت به طریقه انتخاب خلیفه اعتراض کرده و به احتجاج پرداختند» (همان: ۲۰).

بنابراین پس از ظهور اسلام با شعار «لا إله إلا الله» اسلام ناب در اهل بیت (ع) تحت عنوان تشیع جریان یافت و این جریان تا کنون برای حفظ حقایق دین و استمرار ولایت رسول خدا (ص) کاری جز پایداری بر حقانیت قرآن و حقایق دین اسلام نکرده و در مقابله با مخالفان از هر گروه و نحله از منافقین و قاسطین و مارقین و ناکثین و خوارج و ... در حدّ توان در طول هزار و چهارصد سال گذشته پایداری و مبارزه کرده است.

قله رفیع این مبارزه، قیام حضرت ابا عبدالله حسین (ع) در سال ۶۱ ه.ق در کربلاست که نقطه عطف ادبیات پایداری و ادب اعتراض است با شعار «خون بر شمشیر پیروز است» و «هیئات منّا الذلّة!»

در این فضای ترسیم شده، اسلام دینی است که با هدایت رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) او و به دور، از تحریف و تصرف شیاطین و مخالفان و منافقان، مجموعه‌ای از عقاید و احکام برای انسان تعریف کرده تا فرد مسلمان در نظر و عمل راه سعادت را در دنیا و آخرت پیدا کند و در همین دنیا به مقام «راضیه مرضیه» برسد و اگر چنین شد، در آن سرا نیز در جوار قرب حق و انبیا و ائمه هدی (ع) آرام خواهد گرفت.

گفته شد که در شکل عام، ظهور دین اسلام با محتوای تعلیماتش خود نخستین پایه «ادب پایداری» است؛ در شکل خاص، «ادب پایداری» به شکل سخن و انواع ادب کلامی در فرهنگ اسلامی ظهور کرده که در میان ایرانیان فارسی زبان، قدمتی هزار ساله دارد، الهام بخش اصلی آثار زبانی سخنوران و

شاعران فارسی زبان در حوزه ادبیات پایداری، همانا قرآن و نهج البلاغه و سخنان پیامبر (ص) و ائمه هدی - علیهم السلام - بوده است. اکنون در ادامه بحث، عناصری از مبانی دین اسلام، یعنی ابعاد دین، نگاه اسلام به انسان و ابعاد وجودی او و اصل شریعت و اهداف غایی آن شرح داده می شود.

۲-۲-۱- تعریف دین: اگر دین را به طور کلی مجموعه ای از عقاید و دستورات مدون شده برای سعادت‌مندی بشر در نظر بگیریم باید گفت: «هر دین از آن حیث که دین است دو عنصر اساسی دارد:

- آموزه (doctrine): [قوة فکری و نظام نظری است که] میان مطلق و نسبی و حق مطلق و حق نسبی و ارزش مطلق و ارزش نسبی تمیز می دهد.

- روش (method): راهی برای متمرکز شدن بر حق، برای متصل کردن خویش به مطلق و زیستن بر طبق اراده عالم بالا و متناسب با مقصد و مقصود وجود بشری (نصر، ۱۳۸۲: ۱۳).

#### ۲-۲-۲- انسان از دیدگاه اسلام

در اسلام «انسان، خلیفه الهی معرفی شده، و این بدین معناست که او بالقوه حائز شرایط احراز صفات الهی است و در این مسیر قدرت انتخاب نیز دارد.

اسلام برای انسان بر طبق سرشت واقعی اش، آن گونه که هست با همه امکانات ذاتی در مرتبه بشری از آن حیث که مرتبه بشری است، قانون گذاری می کند. یعنی با علم به این که می داند انسان موجودی ضعیف، فراموش کار (غافل)، تابع محیط خویش و زندانی تمایلات حیوانی و شهوت خویش است، بی آن که این جنبه های محدود کننده و ضعیف طبیعت بشری او را نادیده بگیرد، اساساً به او به منزله موجودی خداگونه می نگرد که به عنوان جانشین (خلیفه) خداوند بر روی زمین و تجلی اسماء و صفات خداوند است» (همان: ۱۶-۱۸).

انسان برای رسیدن به ساحت خداگونه شدن، سه صفت از حق در خود به ارث برده است که می تواند با احیای این صفات در خود به مقام خلیفگی خداوند دست یابد.

باری عقل، اراده و کلام هر سه از صفات ذاتی خداوند است، عقل با علم الهی مرتبط است، خداوند «علیم» و «بصیر» بلکه او «أَعْلَم» به ذات اشیاست و این از اسماء الهی است.

خداوند صاحب «اراده» و اختیار مطلق است، خداوند موجود نامتناهی است و فقط موجود نامتناهی از اختیار مطلق برخوردار است.

«کلام» نیز متعلق به خداوند است، کلام از او صادر می شود و به او تعلق دارد و به او بر می گردد» (همان: ۱۸-۱۹).

قول خداوند، فعل خداست و فعل خدا، قول اوست، چه هرگاه بخواهد چیزی را بیافریند فقط به او می گوید باش، پس می شود: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (نحل / ۴۰)

آیه مذکور، جهتی از او به سوی ما دارد، اما آیه زیر بیانگر حرکت قول و کلام پاک ما از عالم انسانی به عالم ملکوت و به سوی خداست که: «وَأِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر / ۱۰)، «کلمه نیکوی توحید و (روح پاک انسانی) به سوی خدا بالا می رود و عمل نیک و خالص آن را بالا برد».

انسان با شنیدن پیام الهی، این اختیار را دارد که خداگونه بشود یا نشود، خداوند خود در این ایه اشاره کرده که «ما امانت [ایمان و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین ... عرضه کردیم، پس از تحمل آن سرباز زدند، پس انسان این بار را برداشت» (احزاب / ۷۲). عظمت بشری در این است که او هم امکان رسیدن به مقام بالاتر از فرشتگان را دارد و هم در عین حال می تواند در مقام انکار خدا برآید، انسان به عنوان موجودی که می تواند با قبول «امانت ایمان» خداگونه شود؛ البته پس از قبول این امانت و میثاق، وظایفی برای او واجب می شود که مهم ترین آن وفای به این میثاق و عهد است که در عبودیت و بندگی خلاصه می شود.

## ۲-۲-۳- قرآن، کلام الهی

قرآن به اعتقاد عمومی مسلمانان پیام الهی (= وحی) است که به پیامبر اُمّی عربی به زبان عربی مبین بی اعوجاج و عجمه نازل شده است، این قرآن با

مجموعه آموزه های آن، دیگر منبع کلی اعتقادی هر مسلمان است و به طریق اولی پایه و مایه «ادبیات پایداری» است.

قرآن در بردارنده پیامی است که فرد مسلمان پس از قبول امانت و میثاق خود با خداوند می تواند این عهد را به سر برد و کمال وجودی بشری را محقق سازد.

در خصوص این منبع که اصل و اساس دیانت اسلام است، بلکه خود خداست، از حیث مراحل تنزیل، چگونگی تنزیل، تنزیل به زبان عربی، تقدس زبان عربی، چرا یک مسلمان باید به زبان عربی عبادت خود را انجام دهد؟ و... سؤالاتی دیگر مطرح است که در ظرفیت این نوشتار نیست، اما اجمالاً می توان گفت: «قرآن را وقتی در تمامت آن نظر آوریم، به سان خود «وجود»، به سان عالم هستی و موجوداتی است که در آن حرکت می کنند. قرآن همه عناصر وجود کلی را در خود دارد و به همین دلیل در حد ذات خود عالمی است که یک مسلمان زندگی خویش را از آغاز تا انجام در آن قرار می دهد.

قرآن مرکب از کلمات است، طبعاً «ترکیب» آن به رمز پردازی لوح و قلم منتهی می شود... خداوند قرآن نظری را با قلم که رمز عقل کلی است بر لوح محفوظ که رمز قطب جوهری است نگاشته است،... از طریق کلمه است که همه موجودات آفریده شده اند، بنابراین به معنای الهی قرآن مثل اعلای همه خلقت است... قرآن همان عالم هستی، همان عالم عظیم خلقت است که آدمی در آن زندگی می کند و لحظه به لحظه نفس می زند» (همان، ۶۹: ۷۱).

#### ۲-۲-۴- پیامبر (ص) و سنت نبوی

پیامبر اسلام (ص) به عنوان بنیانگذار اسلام و ابلاغ کننده وحی الهی به بشر، مفسر اتم و اکمل کتاب خداست، گفتار (= حدیث) و کردار (= سنت) آن حضرت پس از قرآن مهم ترین منابع اسلامی است.

با توجه به موضوع «ادبیات پایداری» اجمالاً اشاره شد که اساساً ظهور نبی اکرم (ص) به عنوان خاتم انبیا با آخرین شریعت برای برچیدن شرک و بت پرستی در همه اشکال آن روز بود و تا روز قیامت این ندا و پیام ادامه دارد.

حضرت رسول (ص) علاوه بر آنچه از قول «الله» در باب کلام و ارزش سخن و پرهیز از شاعران لهُو پرداز که طالب «لَهُوَ الْحَدِيثِ» (لقمان / ۶) بودند، آورده، خود نیز همواره از شاعری آن طور که در حجاز مرسوم بود، دوری می-جستند و البته شاعران را به حکمت و موعظه حسنه و حمایت از حق دعوت می-فرمودند، رفتار و قول حضرت رسول (ص) به عنوان اصل و پایه ای برای ادب پایداری در اسلام، خود مقالات متعدد لازم دارد، که مقتضی طرح در این محدوده نیست.

#### ۲-۲-۵- شریعت قانون الهی و ناموس اجتماعی و بشری

از دیگر منابع اصیل آیین اسلام در قالب شریعت (= احکام عملی) است، که برگرفته از متن قرآن و احادیث نبوی (ص) و سنّت و سیره ایشان و جانشینان بر حقّ او - ائمه هدی و امامان معصوم (ع) - است، که در طول حیات اسلام مسلمانان واقعی به دنبال اجرا و اعمال آن در زندگی فردی و اجتماعی بوده اند. شریعت سرمشقی آرمانی برای زندگی و قانونی است که مسلمانان را در قالب اجتماعی واحد، حول کلمه توحید «لا اله الا الله» متحد می سازد.

#### ۲-۲-۶- مکتب تشیع و ادب پایداری

تشیع حزب یا گروه یا فرقه ای خاص نیست که اجتماع مسلمانان را تهدید کرده و در صدد باشد وحدت کلمه اسلامی را بر هم بزند؛ بلکه همان طور که اشاره شد شیعه حرکت اصیل نبوی (ص) را پس از رحلت آن حضرت در جانشین بر حقّش علی ابن ابی طالب (ع) و فرزندان طاهرین (ع) او می داند و بنا به نصّ صریح قرآن و سخنان پیامبر اکرم (ص) جریان اصیل عدالت خواهانه ای که مفسّر قرآن و مروج حقایق دین در همه ابعاد دنیوی و اخروی بوده است.

این حرکت اصیل در همان آغاز ظهور حتی در زمان حیات پیامبر (ص) از سوی کافران، مشرکان و منافقان تهدید می شد؛ اما پس از رحلت پیامبر (ص) این تهدید عملی شد، و رهبری اجتماع مسلمانان از مجرای الهی خود منحرف گشت «یعنی ولایت و حکومت اسلامی به دست اشخاصی افتاد که هیچ گونه مصوئیت خدایی نداشتند، در نتیجه محیط صد در صد آزاد اسلامی را به یک محیط فاسد

بی بند و بار تبدیل کردند و روح تقوا و آزادی اسلامی را نابود ساختند و عالم اسلامی را در تحت شکنجه حکومت های استبدادی و رژیم های کسرابی و قیصری عربی قرار دادند، همه سرمایه آزادی دینی نابود شد و فضای اجتماع به همان فضای شوم جاهلیت عربی برگشت و بالاخره از اسلام به جز نامی نماند» (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۱).

اگر این کارها نمی شد با فاصله اندکی پس از رحلت پیامبر (ص)، عاشورا اتفاق نمی افتاد، گروهی آلوده به نفاق، خودخواهی، دنیاطلبی، سیاست زدگی، دیانت ظاهری و صوری، به امیدهای واهی فاصله فقط پنجاه سال پس از درگذشت آخرین پیامبر (ص) خدا، آن واقعه عظیم را در کربلا پیش آوردند و سر فرزند رسول خدا (ص) به جرم حق ستایی و دفاع از حریم نبوت و اسلام ناب بریدند و ...

این وقایع نه تنها خود درخت پایداری اسلام را قوت بخشید، بلکه اساساً همین جریان خود به «ادبیات پایداری» بدل گشت و تا امروز الهام بخش عالمان و عارفان و شاعران و اندیشمندان در ساحت ادب و عرفان و حماسه گشت .

بامداد ایاک نعبد گفته ای در فرض حق

چاشتگه خود را مکن در خدمت دونی حقیر (سنایی، ۱۳۵۹: ۲۸۹)

## ۲-۳- ادبیات پایداری (= اعتراض) در گستره زبان فارسی

ادب پایداری یا ادب اعتراض یا حتی ادب زهد و زهدیات در گستره زبان فارسی از نخستین روزهایی که فارسی گویان حوزه خراسان و عراق، افکار و عقاید خود را در قالب شعر عرضه کردند، همواره مبتنی بر آموزه های اصیل اسلام و قرآن و سخنان پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) بوده است.

شاعرانی چون کسایی و ناصر خسرو قبادیانی و سنایی غزنوی و فردوسی و عطار و ... در دیوان اشعار خود از سفره پر ارج ادب و معرفت اسلامی بهره برده و آزادگی را ستوده و به فضایل انسانی بالیده اند و از آن سو به طرد ذایل و نفی صفات شیطانی پرداخته اند .

سرنخ این نوع از ادب را در تقسیم بندی شعر کلاسیک فارسی در انواع ۱۶ گانه آن می توان سراغ گرفت: انواع مدح، رثا، وصف، تصوف، اخلاق، فلسفه، روایت، غزل، خمیسه، مناظره، حسب حال، حماسه، مفاخره، شکوی و شکایت، اعتذار (= سوگند نامه ها) هجا، هزل، مطایبه، لغز و معما.

از میان انواع شعر و ادب رسمی، ادب پایداری (اعتراض) بیشتر وام دار آموزه های دینی، اخلاق، عرفان و حماسه و مدح و رثا در اشعار آیینی بوده است.

۲۰۱- در قرون چهارم و پنجم، ناصر خسرو (۴۸۱-۳۹۴.ق) و سنایی غزنوی (۵۲۹-۴۶۷.ق) در میان گویندگان پارسی گو در حوزه ادبیات پایداری برجستگی بیشتری دارند. این دو با بهره جویی از منابع اصیل اسلام، تعالیم دینی و قرآن و سخنان پیامبر اکرم (ص) آثاری در این زمینه آفریدند و به تعبیر قرآن «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيُحْسِنُونَ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب / ۳۹)، رسالت سخن و سخنوری را ابلاغ کردند و در این راه فقط از خدا ترسیدند و از غیر او نترسیدند و خداوند را برای خود کافی دانستند، داشتن این چنین اوصافی مساوی با ابلاغ پیام نبوت است.

از باب حمایت از حریم سخن و آن را در مدح نالایق ها به کار نبردن، ناصر خسرو آورده است:

من آنم که در پای خوکان نریزم / مر این قیمتی دُرّ لفظ دری را

(ناصر خسرو،)

یا آنجا که سنایی گفته بود:

بامداد ایاک نعبد گفته ای در فرض حق / چاشنگه خود را مکن در خدمت دونی حقیر

(سنایی، ۱۳۵۹: ۲۸۹)

ایشان در فضایی تربیت شده اند که پیامبر (ص) آن فرموده است:

«إِذَا لَقِيتُمُ الْمَدَاحِينَ فَأَحْثُوا فِي وُجُوهِهِمُ التُّرَابَ» (محمّدی ری شهری، ج ۹،

۱۳۶۲: ۸۱).

ناصر خسرو، شعر خود را شعر بیداری می داند و با شعر درباری در ستیز

است:



حکمت بشنو ز حجت ايراک او / هرگز ندهد پیام در گاهی

(ناصر خسرو،)

ناصر خسرو کسی را حکیم می داند که از شاه و امیران نالایق ترسد و برای دریافت صله هر کس و ناکسی را شعر نگوید:

حکیم آن است که از شاه نندیشد نه آن نادان/ که شه را شعر گوید تا مگر چیزیش فرماید (همان:).

بعد از ناصر خسرو، سنایی با چاشنی معرفتی و پای بندی به مفاهیم عمیق تر قرآن و معارف نبوی (ص) و برخورداری از ژهد و قناعت و شریعت مداری، مجموعه ای غنی در «ادب پایداری» آفریده است، محض نمونه:

شعر ابنای عصر اندر شرّ / هم روان است لیک سوی سقر

شعر و شرع از روان و جان خیزد / غش و خمس از ضیاع و کان خیزد

( حدیقه، ۱۳۵۹: ۷۱۴ )

شعر من شرح شرع و دین باشد / شاعر راست گوی این باشد

(همان: ۷۲۵)

۳- بعد از این دو، فریدالدین عطار نیشابوری (ف: ۶۲۷) در خور ذکر است، اگر عطار هیچ سخنی در این زمینه به جز چند بیت پایانی منطق الطیر نسروده بود، باز پایه و قدر او در حوزه ادب اعتراض و پایداری مقامی بسیار والا داشت.

شکر ایزد که درباری نیم بستۀ هر ناسزاواری نیم

من ز کس بر دل کجا بندی نهم نام هر دون را خداوندی نهم

نه طعام هیچ ظالم خورده ام نه کتابی را تخلّص کرده ام

همّت عالیم ممدوحم بس است قوّت جسم و قوّت روحم بس است

نه ز همّت میل ممدوحی مرا نه ز ظلمت خلوت روحی مرا

نه هوای لقمۀ سلطان مرا نه قفای سیلی دربان مرا

(عطار، ۱۳۴۸: ۲۵۴-۲۵۳)

۴- پس از عطار، جلال الدین محمد بلخی (ف: ۶۷۲)

من غلام آنکه نفروشد وجود/ جز بدان سلطان با افضال وجود

(مولوی، دفتر ۵، ب ۴۹۰)

۵- بعد از مولوی، سعدی (ف: ۶۹۱ یا ۶۹۴) با بهره‌گیری از زبان اخلاق (فضایل و رذایل) به ویژه در قالب نصیحت، نوع خاصی از ادب پایداری را پی-ریزی کرده است:

به راه تکلف مرو سعدیا / اگر صدق داری بیار و بیا  
چه حاجت که نه کرسی آسمان / نهی زیر پای قزل ارسلان  
مگو پای عزت بر افلاک نه / بگو روی اخلاص بر خاک نه

(سعدی، ۱۳۶۳: ۶۴)

۶- سیف فراغانی (۷۰۵-۷۴۹) شاعر توانمندی است در عصر سعدی از حوزه پارسی گویان فرارود که با حمله مغول به آسیای صغیر هجرت کرده است، در قالب نیایش از خداوند خواسته است:

ای سلطان تر از بنده ز سلطان بی نیازم کن  
ز خسرو فارغم گردان و از خان بی نیازم کن  
امیران همچو گرگان و رعیت گوسپندانشان

سگ در گاه خویشم خوان ز گرگان بی نیازم کن

(سیف فرغانی، ۱۳۶۴: ۱۷۴)

۷- خواجه شمس الدین حافظ شیرازی (ف: ۷۹۱) خود موضوع مستقلی است که در ادب اعتراض شیوه ای خاص دارد. از شاعران عهد صفویه در ایران اهلی شیرازی، عرفی شیرازی، شیخ بهایی، کلیم و محتشم کاشانی صائب و ... را نیز می‌توان نام برد. در عهد قاجار گویندگانی بلند طبع ظهور یافته‌اند که در ترویج آزادگی و ادب پایداری کفّه ای پر بارند و وصال شیرازی و فروغی بسطامی، از آن جمله‌اند.

در عهد قاجار دوّم نیز سخنورانی هستند که حرمت قلم را پاس می‌دارند و زبان به دفاع از ارزش‌های اسلامی و انسانی می‌گشایند. از این گروه: ادیب نیشابوری، عارف قزوینی، سید اشرف الدین حسینی و نسیم شمال و فرخی یزدی شاعر آزادی خواه که جان شریف خود را بر سر پیمان نهاد.

در میان شاعران دهه های ۱۳۰۰ ه. ش تا کنون از مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷ - ۱۳۶۹) به خاطر سرودن اشعاری در خفقان رژیم ستم شاهی رضا خان قابل اعتناست.

در این دوران به خاطر شرایط خاص روشنفکری و گرایش تحصیل کرده‌ها که شاعران هم بی تأثیر از این نحله‌ها نیستند، شرایطی حاکم شد که تحلیل «ادب پایداری» از این دوران به تأمل بیشتری نیازمند است.

اما در عصر انقلاب اسلامی بعد از بهمن ۱۳۵۷ ه. ش شرایطی پیش آمد که جریان ادب و هنر به ویژه شعر و ادبیات بویژه «ادب پایداری» مجدداً با رویکرد به مکتب تشیع و اسلام نبوی و منش علوی (ع) مسیر جدیدی پیدا کرد، به خصوص در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی، که ادبیات پایداری دفاع مقدس در ابعاد حماسی، مدایح دینی، رثای شهدای کربلا، و در یک کلام شعر آیینی ظهور و بروز تازه ای یافت که خود نیاز به سال‌ها مطالعه و تحقیق و پژوهش دارد.

## ۲-۴- آسیب شناسی ادبیات پایداری

بزرگ‌ترین آسیبی که در حقیقت نوعی تهدید برای این جریان اصیل هنری و ادبی قابل پیش بینی است، مسأله استحاله فرهنگی است که همواره از سوی دشمنان و منافقان و بعضاً دوستان نادان ممکن است پیش بیاید.

۱. نخستین مسأله این است که معمولاً حرکت های مردمی و انقلابی بعد از آن که پیش رفت و ضرر و زیان‌هایش معلوم شد و خالص گردید به محض آن که اوضاع آرام شد، خواص و فرصت طلب‌ها با روحیات دیوان سالاری و بوروکراتی و بلکه افزون طلب در ثروت سر می‌رسند و جریان اصیل مردمی با سرمایه ای ارزشمند را به نفع خود مصادره به مطلوب می‌کنند، نمونه‌هایش را از صدر اسلام تا کنون می‌توان سراغ گرفت و به نقد و تحلیل آنها پرداخت.

هم اکنون استحاله کنندگان فرهنگی از همین مصادره میراث ادب پایداری از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس شروع کرده‌اند، برای نمونه در کتاب بزرگداشت مرحوم قیصر امین پور، شبه‌بهایی‌ها هم در باب اشعار او مقاله نوشته‌اند و به چاپ رسیده است.

اگر خیالمان راحت باشد که دشمن در کار نیست، شکست خورده ایم، هنوز در عرصه فرهنگ و ادبیات کشور در چهره ای بسیار رسمی در قالب سازمان ها و نهادهای فرهنگی رسمی، افرادی از بازمانده کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و مستشاران فرهنگی سازمان انتشارات فرانکلین مشغول کار و فعالیت هستند، عضوگیری جدید می کنند، در امور زحمت افزا دخالت نمی کنند، ولی در برداشتن سهم مالی و ریالی از همه رزمندگان و شهدا و ایثارگران بیشتر می برند و از همه طلب کارترند!!

۲. در این زمان که ادبیات پایداری در حال مدافعه، حمایت و ترویج است، رشته زبان و ادبیات فارسی را در سطوح کارشناسی تا دکتری از حیث محتوا و شیوه تدریس و تحصیل به نقد بگذاریم.

آیا بر این بنای پوسیده که برگرفته از شیوه شرق شناسی مدارس و کرسی های شرق شناسی انگلیسی و آمریکایی است، می توان ادبیاتی مبتنی بر معارف قرآن و شیعه که امروزه «ادب پایداری» نام گرفته است، استوار کرد؟

بعید است که از بنایی بیگانه، صدایی خودی و حمایت کننده و اصیل صادر شود. شرق شناسان، تاریخ ادب و هنر ممالکی چون ما را در تاریخ گذشته برای شناخت بهتر و تصمیم گیری های امروز خود مطالعه می کنند، ولی ما اسلام را به تاریخ پیوسته تلقی می کنیم و باور کرده ایم که دیگر نمی توان با نماز اسطوره ساخت! دیگر نمی توان فریاد جهاد برآورد! و ...

۳. به کار کرد و نحوه گزینش نیروی سازمان و مؤسسات فرهنگی کشور در حوزه زبان و ادبیات فارسی، کانون های پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دایرة المعارف های دولتی و به ظاهر خصوصی، کتابخانه ملی ایران، بنیادهای ادبی و جوایز ادبی، ناشران بزرگ دولتی و به ظاهر خصوصی، به سازمان کتب درسی ایران (آموزش و پرورش) ... دقت بیشتری کرد و نهادهای نظارتی از مجلس شورای اسلامی و دیگران را هوشیار کرد که گمان نشود که بنی یهود (بنی قریظه و بنی نضیر و ...) به خواب رفته اند، هم اکنون شبه فرما سونرها و شبه بهایی ها و

شبه صوفی ها و ... گروه های سیاسی منسوب به رژیم سابق هر روز و هر لحظه به دنبال مطامع خویش اند و نمرده اند و بی کار ننشسته اند.

«عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً  
لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ  
مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (یونس / ۸۶، ۸۵)

### ۳- نتیجه گیری

«ادبیات پایداری» در بخش بایدها و نبایدها، یعنی استمرار و پایداری در نفی غیر خدا و محافظت در اثبات او و هر آنچه صفت اوست، شکل می گیرد؛ یعنی نباید میان باورهای نظری (= آموزه) یک فرد مسلمان با آنچه در عمل (= روش) به کار می بندد، تعارض و اختلافی دیده شود، التزام عملی به آموزه های دینی که از منبع قرآن و سیره نبوی و مکتب تشیع سرچشمه گرفته، منجر به خلق آثاری در حوزه ادب و هنر می شود که در ستیز با اشراف و شیطان صفتان است و حامی مستضعفان و یاور محرومان، نفی بت ها و مبارزه با نمرودها و اثبات توحید و اعتلای کلمه «لا إله إلا الله».

در ادب و زبان فارسی، آثاری ارزشمند با محتوای ادبیات پایداری نیز آفریده شده که مبتنی بر آموزه های اصیل الهی و اسلامی بوده است.

لازمه استمرار حرکت در ساحت ادبیات پایداری، پایداری و پافشاری بر ارزش های دینی و اخلاقی برگرفته از قرآن و عترت است و البته ممانعت از ورود استحاله گران و تحریف کنندگان، چه شیطان بی کار ننشسته و همواره در حال اغوا و گمراه کردن آدمی است.

### یادداشت ها

- ۱- نگارنده در زمینه «ادب اعتراض» از سال ۱۳۶۷ تا کنون آثاری پژوهشی به اهل تحقیق تقدیم داشته است:

- ۲- جلوه های آزادگی و ادب اعتراض در شعر ناصر خسرو، پایان نامه ارشد به راهنمایی احمد احمدی، مشاور: اسماعیل حاکمی، محمد خوانساری، دانشگاه تربیت مدرس، بهمن ۱۳۶۹.
- ۳- ناصر خسرو و ادب اعتراض (کتاب)، تحقیق و نگارش علی محمد پشت دار، چ اول، نشر فرهنگ صبا، تهران، ۱۳۸۵.
- ۴- ناصر خسرو و ادب اعتراض (مقالات)، فصلنامه مدرس، پاییز و زمستان ۱۳۷۰، ش ۵-۶-۷- صص ۱۴۴-۱۵۳، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- چشم انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی (مقالات)، دو فصلنامه تخصصی علوم ادبی، سال سوم، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ صص ۱۵۷-۱۸۰.
- ۶- ادب اعتراض در شعر سنایی (همایش و سخنرانی)، همایش ملی حکیم سنایی ۹۰/۱۰/۵ زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۷- ادب اعتراض در شعر وحشی بافقی (همایش و سخنرانی)، بزرگداشت کمال الدین وحشی بافقی، ۱۷، ۱۸، مهرماه ۹۲، یزد- بافق.
- ۸- نقیضه گویی در فرهنگ جبهه (همایش و سخنرانی)، چهارمین همایش پایداری، کرمان، ۹۱/۱۲/۱۵ مشترک با سرکار خانم نیلوفر حاجی مراد خانی.
- ۹- آزادگی و ادب اعتراض در شعر حافظ (پایان نامه ارشد)، فرهاد رفیع پور ماسوله، به راهنمایی علی محمد پشت دار، دانشگاه پیام نور تهران، خرداد ۱۳۸۶.
- ۱۰- آزادگی و ادب اعتراض در شعر خاقانی، مجید همایون، به راهنمایی علی محمد پشت دار، دانشگاه پیام نور تهران، اسفند ۱۳۸۶.

## فهرست منابع

- ۱- قرآن. (۱۳۵۰)، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران: نشر صالح.
- ۲- آریان پور، امیرحسین. (۱۳۵۴)، **اجمالی از جامعه شناسی هنر**، انجمن کتاب دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا.
- ۳- بلخی، جلال الدین محمد. (بی تا)، **مثنوی**، به کوشش نیکلسون، تهران: مولی.
- ۴- پور ممتاز، علیرضا. (۱۳۷۲)، **فرهنگ اصطلاحات چاپ و نشر**، چ اول، تهران: مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی.
- ۵- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۶۳)، **بوستان**، به کوشش خزائلی، چ پنجم، تهران: جاویدان.
- ۶- سنایی، مجدود بن آدم. (بی تا)، **دیوان اشعار**، به کوشش مدرس رضوی، تهران: سنایی.

- ۷- \_\_\_\_ (۱۳۵۹)، *حدیقة الحقیقه*، به کوشش مدرس رضوی، تهران: سنایی.
- ۸- سنگری، محمد رضا. (۱۳۸۹)، *ادبیات دفاع مقدس*، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، چ اول.
- ۹- شریعتی، علی. (۱۳۷۰)، *علامه اقبال از دیدگاه شریعتی*، روزنامه کیهان مورخ پنج شنبه ۳۰/۳۰/۱۳۷۰ ش ۱۴۲۱۴.
- ۱۰- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۸۲)، *شیعه*، چ چهارم، چ اول ۱۳۳۹، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۱۱- \_\_\_\_ (۱۳۷۹)، *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ دوازدهم.
- ۱۲- عطار، فرید الدین. (۱۳۴۸)، *منطق الطیر*، به کوشش سید صادق گوهرین، چ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۳- علیپور، صدیقه. (۱۳۸۷)، *ساختار معرفت شناسی شعر پایداری ایران*، نامه پایداری (۲)، به کوشش احمد امیری خراسانی، کرمان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- ۱۴- سیف، فرغانی. (۱۳۶۴)، *دیوان قصاید*، به کوشش ذبیح الله صفا، چ اول، تهران: فردوس.
- ۱۵- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۳۷۳)، *رسالة گلزار قدس ضمیمه دیوان اشعار*، به کوشش سید علی شفیعی، چ سوم، تهران: چکامه.
- ۱۶- قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۶۵)، *دیوان قصاید*، به کوشش مجتبی مینوی و همکار، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۷- کم سفیدی، اصغر. (۱۳۷۸)، *ادبیات پایداری*، نامه پایداری (۲)، به کوشش احمد امیری خراسانی، کرمان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- ۱۸- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۲)، *میزان الحکمه*، ده جلدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.
- ۱۹- نصر، سید حسین. (۱۳۸۲)، *آرمان ها و واقعبیت های اسلام*، ترجمه ان شاء الله رحمتی، چ اول، تهران: جامی.